



دولت مهدی (ع)

سیرت مهدی (ع)



مصطفی دلشاد تهرانی

دولت مهدی (ع)

سیرت مهدی (ع)

مصطفی دلشاد تهرانی





تهران - صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۹۹۱ . تلفن ۵۲۷۲۲۸۴

## دولت مهدی (ع) ، سیرت مهدی (ع)

تألیف : مصطفی دلشاد تهرانی

روی جلد از کامران مهرزاده

ناشر : مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر

چاپ اول : تابستان ۱۳۷۴ / تعداد : ۵۰۰۰ جلد

حروفچینی : آزمون / لیتوگرافی : سیحون

چاپ : هما / صحافی : توسکا

این کتاب با استفاده از کاغذ حمایتی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

کلیه حقوق محفوظ است.

## فهرست مطالب

۶	.....	ظهور انقلابی
۸	.....	یاران مهدی (ع)
۱۱	.....	دولت آرمانی
۱۲	.....	سیرت و سنت مهدی (ع)
۱۹	.....	رفع موانع رشد و کمال
۲۰	.....	آرمانهای اصلاحی
۲۳	.....	دولت احیای زمین و آدمیان
۳۱	.....	امنیت فراگیر
۳۶	.....	سیرت اقتصادی
۴۲	.....	سیرت فرهنگی
۴۷	.....	سیرت اجتماعی
۵۰	.....	سیرت مدیریتی
۵۴	.....	سیرت فردی
۵۹	.....	پی نوشتها
۶۸	.....	منابع و مأخذ

## بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ؛  
السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالثُّورِ الْبَاهِرِ؛  
السَّلَامُ عَلَى رَبِّعِ الْأَثَامِ وَنَضْرَةَ الْأَيَّامِ.<sup>۱</sup>  
سلام بر قائم منتظر و عدل پر آوازه؛  
سلام بر شمشیر از نیام برآمده و ماه تابان و نور  
درخشان؛

سلام بر خورشید تاریکی و ماه تمام؛  
سلام بر بهار مردمان و خرمی زمان.

عنوان دولت مهدی (ع) و سیرت مهدی (ع) از  
دیرباز مورد توجه و تأمل بوده است و ذهن و اندیشه  
دوستداران حق و عدل را به خود مشغول می‌داشته  
است؛ اینکه دولت آن خورشید مغرب<sup>۲</sup>، چگونه دولتی  
است و سیرت آن بر پا دارنده عدل تمام، چگونه سیرتی  
است. آن دولتی که منتظران چشم امید بدان دارند و

آن سیرتی که دوستداران حق و عدل به آن دل سپرده‌اند، چگونه است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ  
وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ.<sup>۳</sup>

خدایا از تو امید داریم که دولت با کرامت آن امام  
زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را با آن عزت  
بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی.

آن دولت کریمه و آن سیرت جلیله چگونه است  
که یادش نیز روشنی بخش دل منتظران است؟  
هر انسانی به فطرت خود — که عشق به کمال  
مطلق است — خواهان آن دولت و آن سیرت است و  
سخن از آن، پاسخی به تمنای فطرت آدمی  
(حق‌خواهی و عدالت‌دوستی) است.

### ظهور انقلابی

بنابر روایاتی مشهور که از پیشوایان معصوم وارد  
شده است، امام عصر (عج) به دنبال یک تحوّل  
انقلابی، دولتهای باطل و ستمگر را مضمحل می‌سازد و  
دولتی سراسر حق و عدل برپا می‌کند، چنانکه در  
حدیث امام باقر (ع) آمده است:

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۷

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ.<sup>۴</sup>

هنگامی که قائم قیام می‌کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود.

در حدیثی که متفق فریقین است، از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.<sup>۵</sup>

اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از خاندان من خروج کند و زمین را پس از آنکه پر از ستم و بیداد شده باشد، پر از عدل و داد کند.

این گونه است که دولت کریمه او برپا می‌شود و آن حضرت با سیرت نیکوی خود همگان را از آب گوارای عدالت سیراب می‌سازد.

آنچه در ابتدا از باب «براعة المطلاع»<sup>۶</sup> نقل شد، گویای دولت مهدی (ع) و سیرت مهدی (ع) است. آن حضرت «قائم منتظر» است؛ منتظر، تا منتظران زمینه قیام و حکومت عدل را آماده سازند. آن حضرت، عدالت پرآوازه است؛ عدالتی که هر انسانی با رویکرد

به فطرت خود شیفته و فریفته آن است. «ابوالعلاء مُعَرِّی» حکیم و ادیب بزرگ در این باره چنین سروده است:

مَتَى يَقُومُ إِمَامٌ يَسْتَقِيدُ لَنَا  
فَيَعْرِفُ الْعَدْلَ أَجْبَاكَ وَغَيْطَانُ<sup>۷</sup>

آن پیشوایی که انتقام ما را [از ستمگران] خواهد گرفت کی قیام خواهد کرد؟ تا با قیام او کوهها و دشتها طعم عدالت [واقعی] را بچشند؟

### یاران مهدی (ع)

آن حضرت با شمشیری از نیام برآمده قیام می‌کند و موانع عبودیت و کمال آدمیان را رفع و مقتضیات آن را فراهم می‌کند. «جابر جعفی» از امام باقر (ع) درباره ظهور انقلابی مهدی (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود که چون مهدی (ع) آید میان رکن و مقام نماز گزارد، آن گاه روی به مردم نماید و فریاد کند:

أَلَا إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَكُلَّ مُسْلِمٍ.

بدانید که ما امروز از خدا یاری می‌جوئیم و از مسلمانان.

سپس امام باقر (ع) فرمود:



دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۹

وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثِينَ مِائَةً وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ  
امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ  
الْخَرِيفِ.<sup>۸</sup>

به خدا سوگند سیصد و سیزده تن نزد او گرد می آیند  
که در میان آنان پنجاه زن هست. آنان بدون قراری از  
پیش، از این سوی و آن سوی مانند ابرهای پراکنده  
پاییزی به هم می پیوندند و در مکه به حضور مهدی  
می رسند.

انقلاب آغاز می شود و سیصد و سیزده نفر به تعداد  
مجاهدان غزوه بدر گرد می آیند تا همان گونه که شرک  
و اشرافیت و ستمگری به دست مبارک پیامبر و  
پیروانش شکسته شد، این بار پایان پذیرد و دولت  
عدالت بتمامه رخ نماید. البته آنان فرماندهان و  
کارگزاران اصلی امام (ع) و دولت او هستند.

«ابوبصیر» روایت کرده است که مردی از اهل  
کوفه از حضرت صادق (ع) پرسید چند نفر با قائم (ع)  
قیام می کنند؟ زیرا مردم می گویند آنان به تعداد  
شرکت کنندگان در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده نفر  
هستند. حضرت فرمود:

مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولَى قُوَّةٍ، وَمَا يَكُونُ أَوْلَا الْقُوَّةِ أَقَلُّ

### مِنْ عَشْرَةِ آيَاتٍ ۱

او قیام نمی کند مگر با افراد صاحب قوت و این افراد صاحب قوت کمتر از ده هزار نفر نیستند.

بنابراین تعداد یاران حضرت صاحب الامر (ع) منحصر به سیصد و سیزده نفر نیست، بلکه آنان پرچمداران و فرماندهان آن حضرت و نخستین کسانی هستند که به او می پیوندند،<sup>۱۰</sup> چنانکه خبر «مفضل بن عمر» از امام صادق (ع) بر آن صراحت دارد:

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَحَوْلَهُ  
أَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ، وَهُمْ  
أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى  
خَلْقِهِ.<sup>۱۱</sup>

گویا قائم را می بینم که روی منبر کوفه نشسته است و یارانش که به تعداد مجاهدان غزوه بدر سیصد و سیزده نفرند، دور او را گرفته اند؛ و آنان پرچمداران او و حکمرانان الهی در زمین بر خلق او هستند.

آنان با قوتی الهی قیام می کنند و دولت مستضعفان صالح را برپا می دارند که اراده الهی چنین است:

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ  
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.<sup>۱۲</sup>

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۱۱

و ما اراده داریم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم  
و آنان را پیشوایان و وارثان [حکومت روی زمین] قرار  
دهیم.

آنان از هر عیب و آفتی ببری خواهند بود و  
دلهایشان چون پاره‌های پولاد خواهد بود. سیادت و  
دولت حق از آن ایشان خواهد شد. از امام سجّاد (ع)  
روایت شده است که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ،  
وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ  
قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامُ الْأَرْضِ وَسَائِمُهَا. ۱۳

چون قائم ما قیام کند، خداوند عیب و آفت را از  
شیعیان ما برطرف کند، و دلهای آنان را چون  
پاره‌های پولاد سازد، و به هر مردی از ایشان نیروی  
چهل مرد دهد، و آنان حاکمان و سروران زمین  
خواهند بود.

## دولت آرمانی

دولت مهدی، دولت تحقق آرمانهای انسانی و  
تلاش انبیای الهی است. انبیای الهی پی در پی  
برانگیخته شدند تا آدمیان را تربیت فطری نمایند و  
موانع کمال آنان را بردارند و با ایجاد عدالت زمینه

عبودیت الله را فراهم سازند و عقلها را کامل کنند.  
امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است:

وَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَائَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ  
مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنَسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ  
بِالتَّيْلِيعِ وَيُثِيرُوا لَهُمُ دَفَائِنَ الْعُقُولِ. ۱۴

پیامبرانش را در میان ایشان برانگیخت و پی در پی  
فرستادگان خود را به سوی آنان فرستاد تا پیمان فطرت  
را از ایشان مطالبه نمایند و نعمتهای فراموش شده را به  
یاد آنان آورند و با ابلاغ دستورهای خدا حجت بر  
ایشان تمام کنند و گنجهای پنهانی عقلها را آشکار  
سازند.

### سیرت و سنت مهدی (ع)

این رسالت با دولت مهدی (ع) به کمال می‌رسد و  
آن حضرت مردمان را به سیرت و سنت رسول خدا (ص)  
هدایت می‌کند و آنچه را که خواست پیامبر خاتم بوده  
است، محقق می‌سازد. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص)  
چنین نقل شده است:

سُنَّتُهُ سُنَّتِي، يُقِيمُ النَّاسَ عَلَيَّ مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي  
وَيُذَكِّرُهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ. ۱۵

سیره و سنت او (مهدی)، سیره و سنت من است.

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۱۳

مردم را بر دین و آیین من راست خواهد کرد و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند.

سیرت آن حضرت چون سیرت رسول خدا (ص) است. جاهلیت را ریشه کن می‌کند و اسلام را از نو آن‌سان که بنیانگذار اسلام آورده بود، بر پا می‌سازد. «عبدالله بن عطاء ملک» گوید از امام صادق (ع) درباره سیرت مهدی (ع) پرسیدم که چگونه است. حضرت فرمود:

يَضَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)، يَهْدِي مَا كَانَ قَبْلَهُ  
كَمَا هَدَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أُمَّرَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَيَسْتَأْنِفُ  
الْإِسْلَامَ جَدِيداً. ۱۶

همان گونه که رسول خدا (ص) عمل کرد، عمل می‌کند؛ آنچه را پیش از او بوده است نابود می‌سازد، همان گونه که رسول خدا (ص) جاهلیت را نابود کرد؛ و اسلام را از نو می‌آورد.

همچنین «ابو خدیجه» از آن حضرت نقل کرده است که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (ع) جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا  
رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ. ۱۷  
چون قائم (ع) قیام کند، امری جدید می‌آورد چنانکه

رسول خدا (ص) در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد.

اینکه مهدی (ع) به سیرت رسول خدا (ص) عمل می‌کند، بدین معناست که جاهلیتی را که مجدداً برپا شده است از بین می‌برد و چون پیامبر عدالتی راستین را برپا می‌دارد. «محمد بن مسلم» گوید از امام باقر (ع) درباره قائم (عج) پرسیدم که چون قیام کند، به کدام سیرت در میان مردم عمل می‌کند؟ حضرت فرمود:

بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَتَّى يَطْهَرَ الْإِسْلَامَ.  
قُلْتُ: وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)? قَالَ: أَنْ يَطْلُ مَا كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ؛  
وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ (ع) إِذَا قَامَ يَبْطُلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ  
مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَيَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ.<sup>۱۸</sup>

به سیرتی عمل می‌کند که رسول خدا (ص) عمل کرد تا اسلام را آشکار [و حاکم] ساخت. گفتم: سیرت رسول خدا (ص) چه بود؟ فرمود: آنچه را که در جاهلیت بود، از بین برد و با مردم به عدالت رفتار کرد؛ و همین گونه است قائم (ع) که چون قیام کند آنچه را که از روابط ناعادلانه در میان مردم است از بین برد و با ایشان به عدالت رفتار کند.

البته سیرت رسول خدا (ص) برای رسیدن به اهداف

اصلاح طلبانه بر رحمت و گذشت استوار بود تا مردمان آرام آرام به حق گرایش یابند و اصلاحات اجتماعی تحقق یابد، اما تا زمان ظهور مهدی (ع) همه حجتها تمام می شود و آن حضرت برای تحقق اهداف اصلاح طلبانه خود دیگر براساس رحمت و گذشت عمل نمی کند، زیرا دیگر جایی برای رحمت و گذشت نیست و از هیچ کس عذر و بهانه ای پذیرفته نمی شود. «زراره» گوید به امام باقر (ع) گفتم: «نام صالحی از صالحان را برایم بیان کن؛ و منظورم قائم (ع) بود.» فرمود: «نام او نام من است.» گفتم: «آیا به سیرت محمد (ص) رفتار می کند؟» فرمود:

هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةَ، مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ! قُلْتُ:  
جُعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) سَارَ فِي  
أَمْتِهِ بِاللَّيْلِ كَمَا يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ (ع) يَسِيرُ  
بِالْقَتْلِ، بِذَلِكَ أَمْرٌ؛ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ  
بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا؛ وَيَلُّ لِمَنْ نَاوَاهُ. ۱۱

هیهات، هیهات، ای زراره! به سیرت پیامبر رفتار نمی کند. گفتم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا پیامبر در میان امت خود به ملایمت رفتار می کرد و می کوشید محبت مردم را در راه دین جلب کند و تألیف قلوب نماید، اما قائم با شمشیر و قتل با مردم

روبه رو می شود. در کتابی که با اوست بدو چنین فرمان داده شده است (خدا به او این گونه فرمان داده است) که بکشد و توبه ای از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با مهدی بستیزد.

بنابراین سیرت انقلابی و اصلاحی مهدی (ع) بر کشتن تباهگران و ستمگران استوار است و دیگر از کسی توبه ای پذیرفته نمی شود که پیش از آن همه حجتها تمام شده است. استاد محمدرضا حکیمی در این باره می نویسد:

«آری، این چنین است: شمشیر، دیگر، روزگار موعظه و خواهش تمام می شود. از قدیمترین روزگاران که پیامبران آمدند، همواره، بشر را موعظه کردند، و راه نمودند، و راه نمودند، و درخواست کردند که: مؤمن باش، و عمل صالح به جای آر. و دیدیم که بشر چقدر گوش به آن سخنان داد، و چگونه انبیا و اولیا را از دم تیغ گذرانید. اما روزگار مهدی، روزگار خوار ساختن زورداران است. بشر قدرتمند فاسد و جانی و درنده، چقدر نوامیس خدا را هتک کرد، و چقدر محرومان و ناتوانان و مستضعفان را پایمال ساخت، و چقدر زمین را از ستم و فساد آکنده نمود؟! مهدی (ع) که بیاید



دیگر این چنین نخواهد بود... دیگر، آن روزگار نخواهد بود که پیامبران و امامان و مصلحان، مردمان را موعظه کنند و ارشاد نمایند، و از آنان بخواهند که مؤمن و صالح باشند، و ستم و گناه مرتکب نشوند. و بسیار کسان گوش ندهند، و سرگرم جنایت و فساد باشند... پیامبران را بکشند، ستمهای آنان را محو کنند، مصلحان را زهر خورانند، نیکان و پاکان را نابود سازند، و صحنه‌هایی چون صحنه عاشورا پدید آورند. هیهات، هیهات، یَسِيرُ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا. شمشیر در میان نابکاران نهد، و از احدی توبه نپذیرد. و بدین گونه ماهیت زمان را تطهیر کند، و انسانیت خرد شده را زنده سازد، و والایها را حاکم نماید، و پستیها را از میان بردارد.

بشر، در گذشته خویش، امتحان خوبی نداده است. هم‌نوع خود را، برای امیال و هوسهای سُبُعَانَهُ خود، پایمال کرده است. باید انتقام پس دهد. و مهدی، دست انتقام‌خدایی است. مهدی، دشمنِ خونریزِ مستکبران و فاسدان است، و یارِ دلسوزِ فروتنان و مستضعفان و پاکان.

مهدی، آن قدر بکشد که مردم بگویند: این مرد، از

آل محمد نیست. اگر از آل محمد بود، این اندازه خون نمی ریخت. اما او از آل محمد است، یعنی: آل حق، آل عدالت، آل عصمت و آل انسانیت. و همین است که برای فرا آوردن انسانیت هضم شده، و عدالت به خون خفته، و حق خاک شده، و عصمت هتک گشته می کشد. او می کشد اما درندگان را، او می کشد خونخواران را، که تا پیش از ظهور او خود مشغول آدمکشی و خونخواری بودند، و سرسوزنی به کشته شدگان خود نمی اندیشیدند، و لحظه ای به آن همه خون ناحق که ریخته بودند فکر نمی کردند. او این جانیان را می کشد.

از شمشیر مهدی، برای خون آشامان پست، و درندگان متمدن، و ابرقدرتان ناانسان، خون و مرگ می بارد؛ و برای انسانیت دردکشیده خرد شده، رحمت و حیات.

شمشیر مهدی، سیف الله است، سیف الله المتقیم.

شمشیر مهدی، شمشیر انتقام از همه جانیان است،

در طول تاریخ.»<sup>۲۰</sup>

## رفع موانع رشد و کمال

مهدی (ع) با برداشتن سدهای راه کمال بشر و از بیخ و بن کردن خارهای راه رشد انسانیت، زمین را سراسر عدل و داد می‌کند و این تحوّل انقلابی جز با کشتن بیدادگران ضد دین و بشر، و ستمگران و مزوران مدعی دین و دینداری میسر نمی‌شود. «ابوالولید طرائفی» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:

بِمَلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَغَدَوَانًا، يَسِيرُ فِي أَهْلِ الْقِبْلَةِ بِسِيرَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) يَفْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. ۲۱

زمین را سراسر قسط و عدل می‌کند همان گونه که سراسر ستم و دشمنی شده بود، درباره اهل قبله به سیرت علی بن ابی طالب (ع) رفتار می‌کند، دشمنان خدا را می‌کشد تا خدا راضی گردد.

سیرت انقلابی مهدی (ع) اقتضا می‌کند که با تحریف کنندگان دین و مدعیان آیین و فسادکنندگان بر زمین با شدت برخورد نماید، ملامت و سرزنش دشمنان او را از مقصد اصلاحی باز ندارد و اسلام را سامانی جدید بخشد و به روشی انقلابی حکم کند.

«ابوبصیر» از امام باقر (ع) چنین روایت کرده است:

يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَقَضَائٍ جَدِيدٍ؛  
عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ، لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السِّيْقَ لَا يَسْتَنْبِئُ  
أَحَدًا وَلَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْعَةٌ لَا تَمِيمُ.<sup>۲۲</sup>

قائم به امری جدید و کتابی جدید و قضایای جدید قیام  
کند، بر عرب سخت گیرد و فقط شمشیر را شناسد. او  
از کسی توبه نپذیرد و [در راه تحوّل انقلابی خود]  
نکوهش احدی را نشنود.

### آرمانهای اصلاحی

با چنین سیرت انقلابی است که ستم و بیداد  
ریشه کن شود و عدالت رخ نماید و امنیتی همه جانبه  
— که لازمه رشد و کمال همه جانبه است — حاکم  
گردد، چنانکه در خبری از امام صادق (ع) ویژگیهای  
دولت آن حضرت چنین آمده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ  
الْجَوْرُ، وَأَقَمَتِ السُّبُلُ، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا،  
وَرَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ، وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى  
يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ، وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ؛ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ  
سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يَرْجِعُونَ.»<sup>۲۳</sup> وَحَكَمَ بَيْنَ

النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ، وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ (ص)؛ فَحَيْثُ تَظْهَرُ  
الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بَرَكَاتِهَا، وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ  
مِنْكُمْ يَتَّقِي مَوْضِعاً لِمُؤْتِيهِ وَلَا لِيَرِّهَ، لِشُمُولِ الْغِنَى  
جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ. ۲۴

هنگامی که قائم قیام کند، به عدل حکم نماید و در  
روزگار او بیداد بتمامه نابود گردد و راهها امن شود و  
زمین برکات خود را آشکار سازد و هر حقی به  
صاحبش برگردانده شود و هیچ پیرو دینی نماند مگر  
آنکه به اسلام درآید و با ایمان شناخته شود؛  
نشنیده‌ای که خدای سبحان می‌فرماید: «هر که  
[وهر چه] در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه او  
را گردن نهاده است، و همه به سوی او بازگردانده  
می‌شوند.» و [مهدی] در میان مردم به روش داوود و  
محمد (ص) حکم کند. آن هنگام زمین گنجهای خود  
را آشکار سازد و برکاتش را ابراز دارد و همگان چنان  
بی‌نیاز شوند که چون کسی بخواهد صدقه‌ای دهد و  
بخشش نماید، مستحقی نیابد.

بدین ترتیب با ظهور دولت مهدی (ع) و تحویلی  
اساسی، همه آرمانهای اصلاحی بشر تحقق می‌یابد.  
عدالت بتمامه طلوع می‌کند، بیداد بکلی غروب  
می‌نماید، امنیت در همه وجوهش بر سر مردمان سایه

می افکند، دیانت حکومت می یابد، برکات بتمامه آشکار می گردد و همگان بی نیاز می شوند. در پهنه تاریخ، پیوسته آرمان مصلحان این بوده است که شر و بدی را پس زنند و خیر و نیکی را میداندار نمایند؛ مردمان را از بندگی غیرخدا خارج سازند و به بندگی خدا سیر دهند و روابط اقتصادی و اجتماعی را به سامانی آرمانی درآورند و امنیتی همه جانبه برای شکوفا شدن استعدادهای آدمی فراهم سازند. با برپایی دولت مهدی (ع) این آرمانهای اصلاحی که یادش نیز شورآفرین و تحرک‌زاست، محقق می‌شود. از امیرمؤمنان (ع) در توصیف دولت مهدی (ع) چنین نقل شده است:

يَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْخَيْرُ وَيَذْهَبُ الزُّنَا وَيَذْهَبُ  
الرِّبَا وَيَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَالشَّرْعِ وَالذِّانَةِ  
وَالصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَاتِ وَتَطْوُلُ الْأَعْمَارُ وَتُؤَدَّى  
الْأَمَانَاتُ وَتَحْمِلُ الْأَشْجَارُ وَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ  
وَتَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَتَبْقَى الْأَخْيَارُ.<sup>۲۵</sup>

بدی از بین می‌رود و نیکی برقرار می‌ماند، زنا از بین می‌رود و ربا محو می‌شود و مردم به عبادات و شرع و دینداری و نماز با جماعت روی می‌کنند و عمرها

طولانی می‌گردد و امانتها ادا می‌شود و درختان پربار می‌شوند و برکتها چند برابر می‌گردد و بدان ناپود می‌شوند و نیکان برقرار می‌مانند.

### دولت احیای زمین و آدمیان

اینها نتایج و ثمرات دولت عدل است که عدالت زنده کننده همه چیز است و دولت مهدی (ع)، دولت احیای زمین و آدمیان است. آن حضرت زمین را به عدالت زنده می‌سازد و با حاکم کردن دین حق، مردمان را زنده می‌کند. شیخ صدوق (ره) به اسناد خود از «عبدالرحمن بن سلیط» از حضرت حسین (ع) روایت کرده است که فرمود:

مِنَّا إِثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي، وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَيُظْهِرُ بِه دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.<sup>۲۶</sup>

از [خاندان] ما دوازده هدایتگر هستند که نخستین ایشان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخرینشان نهمین فرزند من است، و او امام قیام کننده به حق است، زمین را پس از مردن آن زنده کند و دین حق را

بر همه ادیان چیره گرداند، هر چند که مشرکان خوش  
ندارند.

این وعده حتمی خداست که فرمود:

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. ۲۷

بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می‌کند.  
از امام باقر (ع) درباره این آیه شریفه چنین روایت  
شده که فرمود:

يُخَيِّبُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ (ع) بَعْدَ مَوْتِهَا - بِمَوْتِهَا  
كُفِرَ أَهْلِهَا - وَالْكَافِرُ مَيِّتٌ. ۲۸

خداوند زمین را پس از مردگی اش به وسیله قائم (ع)  
زنده می‌کند، یعنی زمین به سبب کفر اهل زمین  
می‌میرد زیرا کافر مرده است.

کفر و بیداد میراننده است و ایمان و عدالت  
زنده کننده. دولت مهدی (ع) دولت ایمان و عدالت  
است و آن حضرت با ایمان و عدالت زمین و اهل زمین  
را زنده می‌کند. شیخ کلینی (ره) به اسناد خود آورده  
است که «محمد حلی» از امام صادق (ع) درباره این  
آیه که خداوند فرموده است: «بدانید که خدا زمین را  
پس از مردگی اش زنده می‌کند.» پرسش کرد و آن  
حضرت فرمود:



### الْعَدْلُ بَعْدَ الْجَوْرِ<sup>۲۹</sup>

مراد، عدالت پس از بیداد است.

دولت مهدی (ع) دولت عدالت تام و تمام است و از این رو دولت زنده کننده همه چیز و همه کس است. هر چیز و هر کس که استعداد زنده شدن داشته باشد به دست او و با دولت او زنده می شود. در روایتی از امام کاظم (ع) در تفسیر آیه (يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)<sup>۳۰</sup> چنین آمده است:

لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُخَيِّونَ  
الْعَدْلَ فَتُخَيِّ الْأَرْضَ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ، وَإِقَامَةِ الْحَدِّ لَلَّهِ  
أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.<sup>۳۱</sup>

مراد، این نیست که خداوند زمین را به وسیله باران زنده می کند، بلکه خداوند مردانی را برمی انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه زمین با احیای عدالت زنده می شود؛ و [بدانید] بر پایی حد برای خدا در زمین از چهل روز باران سودمندتر است.

بنابراین احیای زمین با عدالت و برپا ساختن حدود الهی از نزول باران نیز با اهمیت تر و پربرکت تر است. عدالت، جان شریعت و روح دین است:

الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ.<sup>۳۲</sup>

عدالت حیات احکام است.

جامعه فاقد عدالت، جامعه‌ای مرده است؛ و سرزمین بی عدالت چون زمین خشک و کشتزار بی حاصل است. به وسیله عدالت است که زمین زنده، سرزمینها آباد و مردمان و جوامع به درستی برپا می‌شوند. از امیرمؤمنان علی (ع) چنین نقل شده است:

جَعَلَ اللهُ سُبْحَانَ الْعَدْلِ قِيَامَ الْأَنْامِ وَتَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْأَنْامِ وَتَسْنِيَةَ لِإِسْلَامٍ. ۳۳

خدای سبحان عدالت را مایه برپایی مردمان و ستون زندگی آنان و سبب پاکی از ستمکاریها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرار داده است.

مردم به عدالت مستقیم می‌شوند و حیات حقیقی زمانی بر مردم سایه می‌افکند که پرچمهای عدالت در میانشان برپا شود. در این صورت است که ستمها زدوده و دامن آدمیان از گناهان پاک می‌شود. آری روشنی دین و دینداری به عدالت بسته است و چون عدالت زدوده شود چراغ اسلام خاموش گردد. بقا و سلامت جامعه به عدالت است و آنجا که عدالت نیست، انتظار پاکی و سلامت اجتماعی، انتظاری بیهوده است. روشنی اسلام به عدالت است و با خاموش شدن عدالت، اسلام چون چراغی خاموش

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۲۷

خواهد بود که با آن نمی‌توان راه یافت و مردمان را به سامان رساند. از همین روست که پیام‌آور عدالت و رسول هدایت (ص) فرموده است:

عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامَ لَيْلِهَا  
وَ صِيَامَ نَهَارِهَا. ۳۴

ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز شب و روزهایش به روزه بگذرد، [برتر و] بهتر است.

در اندیشه دینی، عدالت شکوفاکننده فطرت ایمانی و رفتار انسانی است. از امیرمؤمنان (ع) چنین نقل شده است:

الْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ جَمَاعُ الْإِحْسَانِ. ۳۵  
عدالت رأس ایمان و گردآورنده نیکیهاست.

بنابراین دولتی که عدالت را در همهٔ وجوهش برپا می‌سازد (دولت مهدی)، ایمان را در معنای حقیقی و فراگیرش حاکم می‌کند و نیکیها را زنده می‌سازد. ساعتی از این دولت چنان کند که سالها عبادت نکند. شیخ کلینی (ره) به اسناد خود از رسول خدا (ص) روایت کرده است که فرمود:

سَاعَةٌ مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً،

وَحَدُّ يُقَامُ لَهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَقَرِّ أَرْبَعِينَ  
صَبَاحاً. ۳۶

ساعتی از [دولت] پیشوای عدل برتر از عبادت هفتاد  
سال است، وحدی که برای خدا در زمین برپا شود  
برتر از چهل روز باران است.

آنچه با دولت عدالت مهدی (ع) ظهور می‌کند قابل  
بیان و توصیف نیست که ساعتی از آن دولت فرخنده  
چنان دلها را پاک کند و زشتیها را بزدايد و همه چیز را  
شکوفا و پربار کند که در تصور نیز نگنجد. دولت  
مهدی (ع) چون سرمای بهاری است که هر موجودی را  
که شایستگی و استعداد زنده شدن و کمال یافتن داشته  
باشد، زنده کند و به کمال خود برساند. دم مسیحایی  
او زنده کننده زمین و آدمیان است.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش

زده ام فالی و فریاد رسی می‌آید

زاتش «وادی ایمن» نه منم خرم و بس

موسی اینجا به امید قبسی می‌آید

هیچ کس نیست که در کوی تو اش کاری نیست  
هر کس آنجا به طریق هوسی می آید  
کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست  
این قدر هست که بانگ جرسی می آید  
جرعه ای ده که به میخانه ارباب کرم  
هر حریفی ز پی ملتسمی می آید  
خبر بلبل این باغ مه رسید که من  
ناله ای می شنوم کز قفسی می آید  
دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است  
گو بران خوش که هنوزش نفسی می آید  
یار دارد سر صید دل حافظ یاران  
شاهبازی به شکار مگسی می آید ۳۷

مهدی بهار مردمان و خرمی زمان است: «السَّلَامُ  
عَلَى رَبِّيعِ الْأَنَامِ وَنَضْرَةَ الْأَيَّامِ.» و دولت او، دولت  
عقل و فطرت است؛ دولت حیات مردمان و زمینیان  
است و همه را به برگ و بار می نشاند:

تَوَقُّوا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ، وَتَلْفُوهُ فِي آخِرِهِ، فَإِنَّهُ يَفْعَلُ  
فِي الْآبْدَانِ كِفْعَلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوَّلُهُ يُحْرِقُ وَآخِرُهُ  
يُورِقُ. ۳۸

پرهیزید از سرما در آغازش (در پاییز) و استقبال کنید

از آن در آخرش (نزدیک بهار) زیرا در بدنها همان  
می‌کند که با درختان می‌کند؛ در آغاز خشک می‌کند و  
در آخر برگ می‌آورد.

ملای رومی این بیان (نقش احیاکننده سرمای  
بهار) را از قول رسول خدا (ص) به زیبایی تمام آورده و  
به باطن کلام و نقش اولیای خدا در احیای موجودات  
اشاره کرده است:

گفت پیغمبر ز سرمای بهار  
تن میپوشانید یاران زینهار  
زانکه با جان شما آن می‌کند  
کان بهاران با درختان می‌کند  
پس غنیمت باشد آن سرمای او  
در جهان بر عارفان وقت جو  
در بهاران جامه از تن برکنید  
تن برهنه جانب گلشن روید  
لیک بگریزید از برد خزان  
کان کند کان کرد با باغ و رزان  
راویان این را به ظاهر برده‌اند  
هم بر آن صورت قناعت کرده‌اند

بیخبر بودند از سرّ آن گروه  
کوه را دیده، ندیده کان به کوه  
آن خزان نزد خدا نفس و هواست  
عقل و جان عین بهار است و تقاست  
گر ترا عقلیست جزوی در نهان  
کامل العقلی بجواندر جهان  
جزوتواز کلّ او کلتی شود  
عقل کلّ بر نفس چون غلی شود  
پس به تأویل آن بود کائفاس پاک  
چون بهارست و حیات برگ و تاک<sup>۳۹</sup>

### امنیت فراگیر

دولت مهدی (ع) دولت بهار حقیقت و مردمان  
است. این دولت امنیتی فراگیر و همه جانبه را به  
ارمغان می آورد. امنیت اعتقادی، فرهنگی، سیاسی،  
اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی. در دولت او  
توحید بر همه چیز و همه کس سایه می افکند و زمین و  
زمان به امنیت می رسد. از امام باقر (ع) روایت شده  
است که فرمود:

يُقَاتِلُونَ حَتَّى يُوَحِّدُوا اللَّهَ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا؛ وَتَخْرُجَ

الْعَجُوزَةُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يُؤْذِيهَا  
أَحَدٌ. ۴۰

می‌جنگند تا آنکه [همه مردم] خدا را به یگانگی  
بپذیرند و چیزی را با او شریک قرار ندهند؛ و [چنان  
امنیتی برقرار شود که] پیرزنی ناتوان از مشرق به  
مغرب رود و هیچ کس آزاری به او نرساند.

عدم امنیت در چهره‌های گوناگون آن، محصول و  
نتیجه شرک و بت‌پرستی است؛ و دولت مهدی، دولت  
زایل‌کننده شرک در همه چهره‌هایش است. با زوال  
شرک اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛  
امنیتی که انسانها پیوسته در آرزوی آن به سر برده‌اند،  
رخ می‌نماید. زمین و زمان به آرامش می‌رسند و بارور  
می‌شوند.

شیخ صدوق (ره) به اسناد خود از امام صادق (ع)  
از پدران گرامیش از امیرمؤمنان (ع) روایت کرده است  
که فرمود:

وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَا نُزَلَّتِ السَّمَاءُ فَطَرَهَا، وَلَا خُرَجَتِ  
الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَذَهَبَتِ الشُّجَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ  
وَاضْطَلَعَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمِشِيَ الْمَرَاةُ بَيْنَ  
الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ، لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى



رَأْسَهَا زَيْتَهَا لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهَا.<sup>۴۱</sup>  
روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد  
و زمین گیاه خود را برویاند و کینه‌ها از دل بندگان  
زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یکدیگر  
همزیستی مسالمت‌آمیز نمایند، تا آنجا که زنی از  
عراق تا شام را بپیماید و جز بر سبزه‌زار گام نگذارد و  
زینت و آرایش خود را بر سر داشته باشد [و کسی به  
آن طمع ننماید] و هیچ درنده‌ای او را آشفته نسازد و او  
نیز از هیچ چیز نهراسد.

مهدی (ع) با قیام به عدالت و رفع موانع هدایت،  
راه عبودیت الله را بتمامه می‌گشاید و با تأمین نیازهای  
گوناگون انسان — اعم از مادی و معنوی — سیر کمال  
آدمیان را تدارک می‌کند، زیرا ابتدایی‌ترین نیازهای  
انسان، نیازهای مادی و معیشتی اوست و بلافاصله  
نیازهای دیگری که تأمین آن نیازها در حرکت کمالی  
انسان نقش اساسی دارد. امام صادق (ع) فرموده  
است:

ثَلَاثَةٌ يَخْتَاَجُ النَّاسُ ظُرّاً إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ  
وَالْحَضْبُ.<sup>۴۲</sup>

سه چیز است که همه مردمان بدان محتاجند: امنیت،  
عدالت و فراوانی.

قرآن کریم در بحث از نیازهای انسان برای سیر، این حقیقت را گوشزد کرده است:

الَّذِي أَظْمَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمْتَهُمْ مِنْ خَوْفٍ.<sup>۴۳</sup>  
اوست کسی که آنان را از نظر معیشت تأمین کرد و  
از ترس امانشان داد.

تأمین معیشت انسان، تدارک نخستین گامها در  
مسیر حرکت است که بدون آن و فارغ از اندیشه و  
تلاش در جهت عدالت اجتماعی، مقدمه لازم برای  
سیر او فراهم نمی‌شود، چنانکه امام صادق (ع) به  
«مُفَضَّل» فرمود:

وَاعْلَمَ يَا مُفَضَّلُ أَنَّ رَأْسَ مَعَاشِ الْإِنْسَانِ وَحَيَاتِهِ الْخُبْزُ  
وَالْمَاءُ.<sup>۴۴</sup>  
مفضل! بدان که رأس و اساس معیشت انسان و  
زندگی او نان است و آب.

و پیامبر عدالت و دعوت کننده به عبودیت فرمود:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فَلَوْلَا  
الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْمْنَا وَلَا أَدَبْنَا فَرَأَيْتَ رَبَّنَا.<sup>۴۵</sup>  
خدایا به تان ما برکت عنایت فرما و میان ما و تان  
جدایی میفکن، زیرا اگر تان نباشد، نه نماز گزاریم و  
نه روزه داریم و نه واجبات الهی را ادا کنیم.

مردمان برای رشد و تعالی نیازمند «امنیت»، «عدالت» و «فراوانی» هستند و این معنا در دولت مهدی (ع) در حد آرمانی خود تحقق می‌یابد. در آن روز برکات زمین و آسمان بر مردمان گشوده می‌شود: <sup>۴۶</sup>  
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ  
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. <sup>۴۷</sup>

اگر مردم جوامع ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، هر آینه برکتها از آسمان و زمین بر آنان بگشاییم.

دولت مهدی (ع)، دولت ایمان مردمان و تقوای پیشگی است، پس وعده خدا در آن روز تحقق کامل یابد و نیکیها و نعمتها فراگیر شود؛ باران رحمت بیارد و زمین بی دریغ نعمتهای خود را در اختیار مردمان گذارد و کینه از دلها زدوده شود و امنیت در همه ابعادش ظهور یابد و به سبب عدالت همگان بی نیاز شوند که امام کاظم (ع) فرموده است:

لَوْ عُذِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَفْتُوا. <sup>۴۸</sup>

چنانچه در میان مردم عدالت جاری شود، بی نیاز گردند.

### سیرت اقتصادی

بی نیازی مردمان به سبب تحقق عدالت تام و تمام و فراوانی و عمران و آبادی در اوج کمال و تقسیم اموال به مساوات، از مشخصات سیرت اقتصادی مهدی (ع) است. آن حضرت تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را زیر پای می‌گذارد و محو و نابود می‌کند. از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ.<sup>۲۱</sup>

زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع از بین می‌رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.

زمینهایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده‌اند و در حقیقت متعلق به امام (ع) است، در جایگاه خود قرار می‌گیرد. استعمار و استعمارپایان می‌پذیرد. همگان به رفاه و آسایش می‌رسند. مهدی (ع) اموال را به وفور در اختیار مردمان می‌گذارد. نعمانی (ره) به اسناد خود از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود:

تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَظَهْرِهَا،  
فَيَقُولُ لِلنَّاسِ: تَعَالَوْا إِلَيَّ مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ،  
وَسَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ الْحَرَامَ، وَرَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ، فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَيَمْلَأُ  
الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا وَنُورًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا  
وَشَرًّا. ٥٠

تمام اموال زمین — آنچه در دل زمین است و آنچه بر  
روی زمین است — نزد مهدی (ع) گرد آید؛ آن گاه او  
به مردمان گوید: بیایید و این اموال را بگیرید. اینها  
همان چیزهایی است که به خاطرش قطع رحم کردید  
و خونها به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید. او  
دست به بخشش زند و آن قدر ببخشد که تا آن روز  
کسی چنان بخششی نکرده باشد. و زمین را لبریز از  
عدالت و داد و نور گرداند همان گونه که لبریز از ستم  
و بیداد و شر شده باشد.

مهدی (ع) همگان را بی نیاز می کند که در دولت  
او زمین همه استعدادهای خود را بروز می دهد و داراییها  
انبوه می شود. از رسول خدا (ص) چنین روایت شده  
است:

تَنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُوتِي  
الْأَرْضَ أَكْلَهَا وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً وَالْمَالُ يُؤَمِّدُ  
كَدُوسٍ؛ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيْ اعْطِنِيْ فَيَقُولُ:  
خُذْ. ٥١

در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که

هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد؛  
زمین بتمامه محصول دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ  
ندارد، و اموال انبوه شود. هرکس نزد مهدی آید و  
گوید: به من مالی ده! مهدی بی درنگ گوید: بگیر.

آن حضرت اموال را به مساوات میان مردم تقسیم  
می‌کند تا همگان از دغدغه نیازمندی آزاد شوند.  
«ابوسعید خدری» از رسول خدا (ص) چنین نقل کرده  
است:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ... يَرْضَى عَنْهُ مَا كُنُ السَّمَاءِ وَمَا كُنُ  
الْأَرْضِ يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَمَا  
صِحَاحًا؟ قَالَ: السَّوِيَّةُ بَيْنَ النَّاسِ. ۵۲

شما را مژده می‌دهم به آمدن مهدی... ساکنان آسمان  
و زمین از او راضی هستند و مهدی مال را به طور  
صحیح تقسیم می‌کند. مردی از پیامبر پرسید: به طور  
صحیح یعنی چه؟ فرمود: یعنی به مساوات میان مردم  
تقسیم می‌کند.

«عبدالله بن مسعود» نیز از پیامبر (ص) روایت

کرده است که در این باره فرمود:

يُقَسِّمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ وَيَجْعَلُ اللَّهُ الْعِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ  
الْأُمَّةِ. ۵۳

مهدی مال را به مساوات تقسیم می‌کند و قلبهای امت محمد را لبریز از بی‌نیازی خواهد کرد.  
در نتیجه تحقق سیرت اقتصادی مهدی (ع)، نیازمندی باقی نمی‌ماند تا به او زکات داده شود. امام باقر (ع) فرمود:

يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ. ۵۴  
مهدی اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می‌کند که دیگر نیازمندی یافت نمی‌شود تا به او زکات دهند.

بی‌نیازی اقتصادی در دولت مهدی (ع) تا بدانجاست که دل‌های امت محمد (ص) لبریز از بی‌نیازی می‌شود و حرص به داشتن و گنجینه کردن و انبوه ساختن زدوده می‌شود و چون مهدی (ع) ندا دهد که هر کس مالی می‌خواهد بیاید و برگیرد، جز یک نفر پیدا نشود و او نیز پشیمان گردد و مال برگرفته را بازگرداند. ۵۵

مهدی (ع) بی‌دریغ و بی‌شمارش بخشش می‌کند چنانکه در خبر «جابر بن عبدالله» از رسول اکرم (ص) روایت شده است:

يُقَسِّمُ الْمَالَ وَلَا يَعْدُهُ. ۵۶

اموال را بدون آنکه شمارش نماید تقسیم می‌کند.

بدین ترتیب مردمان با همه وجود و از صمیم قلب از داشتن و گنجینه کردن و انبوه‌سازی، احساس بی‌نیازی می‌کنند همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) نوید آن را داده است:

يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) غِنَىٰ وَيَسَعَّهُمْ  
عَدْلُهُ. ۵۷

دل‌های پیروان محمد (ص) را لبریز از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد.

إِذَا خَرَجَ الْمُهْدِيُّ الْقَىٰ اللَّهُ الْغِنَىٰ فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ. ۵۸  
زمانی که مهدی قیام کند، خداوند در قلب بندگان بی‌نیازی افکند.

در نظام اقتصادی که مهدی (ع) برپا می‌سازد، روابط اقتصادی چنان است که در معاملات سودی گرفته نمی‌شود. «علی بن سالم» از پدرش نقل کرده است که گفت از امام صادق (ع) پرسیدم: این روایت که «سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست» معنایش چیست؟ حضرت فرمود:

ذَاكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَأَمَّا



دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۴۱

الْيَوْمَ فَلَاتَبَأْسَ بِأَنْ يَبِيعَ مِنَ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ وَيَرْبَحَ  
عَلَيْهِ.<sup>۵۹</sup>

این به هنگام ظهور حق و قیام قائم اهل بیت است،  
اما اکنون اگر کالایی بفروشد و سود بگیرد اشکالی  
ندارد.

دولت مهدی (ع) براساس چنین روابط و مناسبات  
اقتصادی، شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و همه جا  
را عمران و آباد می‌سازد. «محمد بن مسلم» گوید از  
امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود:

يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ... فَلَا يَبْقَى فِي  
الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَّرَهُ.<sup>۶۰</sup>

دولت مهدی شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و  
در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر  
اینکه آن را آباد خواهد ساخت.

ظهور برکات و مناسبات عادلانه در دولت  
مهدی (ع) چنان است که حتی مردگان آرزوی  
بازگشت به دنیا و زندگی در دولت کریمه او و در سایه  
سیرت او را خواهند داشت. «ابوسعید خدری» از  
رسول اکرم (ص) نقل کرده است که فرمود:

لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ مِنْ بَذْرِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَلَا

السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّهَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِدْرَاراً...  
تَتَمَنَّى الْإِخْتِيَاءَ الْأَمْوَاتِ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ  
الْأَرْضِ مِنْ خَيْرِهِ.<sup>۶۱</sup>

زمین آنچه از برکات در دل خود دارد، بیرون می‌ریزد  
و آسمان نیز از بارش خود چیزی فروگذار نکرده،  
پیوسته بر آنان می‌بارد... از بس خدای بزرگ برای  
مردم خیر پیش می‌آورد، مردگان آرزوی بازگشت به  
زندگی می‌کنند.

سیرت مهدی (ع) مطلوب دلها و دولت مهدی (ع)  
حدّ نهایی رضایت انسانهاست. نه تنها انسانها که زمین  
و آسمان و همه موجودات از دولت و سیرت او  
رضایت‌مندند. در حدیث «حُدَيْفَةُ بْنُ يَمَانَ» از  
پیامبر (ص) آمده است:

يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْقَطْرِ فِي  
الْجَوِّ.<sup>۶۲</sup>

از خلافت و دولت او، اهل آسمان و زمین و پرندگان  
آسمان راضی خواهند بود.

### سیرت فرهنگی

تحقق این دولت و ظهور چنین مناسباتی، نتیجه و  
محصول تحوّل اساسی در درون انسانهاست. با ظهور

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۴۳

دولت عدالت و رفع همه موانع تربیت، خردها به کمال می‌رسد و اخلاق نیکو کامل می‌شود. «أبوخالد کابلی» از امام باقر (ع) درباره تحوّل مبارکی که در خرد و اخلاق مردمان به دست مهدی (ع) صورت می‌گیرد، چنین روایت کرده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ  
عُفُوقَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ اخْلَاقَهُمْ.<sup>۶۳</sup>

چون قائم ما قیام کند، دست خود را روی سر بندگان می‌گذارد و بدین ترتیب خردهای مردمان را به کمال می‌رساند و اخلاقشان را کامل می‌کند.

اصلاح روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جز در پرتو تربیتی الهی ممکن نمی‌شود، تربیتی که اساس آن بر رشد و اکمال خردها و فرزاندگی مردمان قرار گرفته باشد. در خبری دیگر از امام باقر (ع) در این باره آمده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا  
عُفُوقَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا اخْلَاقَهُمْ.<sup>۶۴</sup>

چون قائم ما قیام کند دست خود را روی سر مردمان می‌گذارد و بدین وسیله خردهای بندگان را به کمال می‌رساند و فرزاندگی آنان را تمام می‌نماید.

بدین ترتیب در دولت مهدی (ع)، سیرت تربیتی آن حضرت چنین است که با تأیید الهی، خرده‌های مردمان را به کمال رساند و فرزاندگی را در آنان تمام نماید؛<sup>۶۵</sup> و در نتیجه با این انقلاب فرهنگی، آرمانهای اصلاحی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تحقق یابد و ریشه‌دار گردد و پابرجا بماند.

انقلاب فرهنگی در دولت مهدی (ع) چنان عمیق و فراگیر است که همه مردم علم و حکمت می‌آموزند؛ همگان با کتاب خدا و سنت پیامبر براساس فهمی عمیق آشنا می‌شوند تا جایی که زنان در خانه‌ها براساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود:

تُوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ أَنْ الْقُرْآنَ لَتَقْضِي فِي

بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص).<sup>۶۶</sup>

در دولت مهدی (ع) به همه مردم علم و حکمت می‌آموزند تا آنجا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند.

بی‌گمان هیچ انقلابی بدون یک تحول فکری و فرهنگی اساسی، راه به جایی نخواهد برد و انقلابی عظیم چون انقلاب مهدی (ع) و تأسیس دولتی با آن

ویژگیها که یاد شد، نیازمند انقلابی بزرگ در فرهنگ و آموزش و تربیت است. نظام الهی بر خرد و بصیرت و دانش استوار است و سلامت جوامع و آبادی سرزمینها، در معنای تام آن، بر معرفت و علم تام استوار است. از این رو در عصر حاکمیت مهدی (ع) تحویلی شگفت در علم و دانش رخ می‌نماید و درهای همه معرفتها و دانشها به روی مردمان گشوده می‌شود. امام صادق (ع) فرموده است:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَتَّعَرَفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا.<sup>۶۷</sup>

علم و دانش بیست و هفت حرف است و تمام آنچه پیامبران برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده است و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌سازد.

رشد و شکوفایی علم و دانش در دولت مهدی (ع) تا آنجاست که یاران آن حضرت بدون هیچ واسطه‌ای با امام سخن می‌گویند و او را می‌بینند. در حدیثی از

امام صادق (ع) در این باره آمده است:

إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ  
وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ  
يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ. ۶۸

هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند چندان نیرو به گوش و چشم شیعیان ما می‌دهد که میان آنان و قائم قاصدی نخواهد بود، قائم با آنان سخن می‌گوید و ایشان نیز صدای او را همان‌جا که هست می‌شنوند و به او نگاه می‌کنند.

تحوّل فرهنگی در دولت مهدی (ع)، همه ابعاد وجودی مردمان را متحوّل می‌کند و از نقص به کمال می‌رساند. حتی بیماریها و ضعفها و ناتواناییهای مردمان برطرف می‌شود؛ مردمان خردمند، فرزانه، حکیم، عالم، سالم و قوی می‌شوند. امام باقر (ع) فرموده است:

مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ ذِي عَاهَةِ بَرًّا وَمَنْ ذِي  
ضَعْفٍ قَوِي. ۶۹

هرکس قائم ما اهل بیت را ببیند، اگر بیماری داشته باشد بهبود می‌یابد و چنانچه ضعیف باشد نیرومند می‌گردد.

## سیرت اجتماعی

در پرتو سیرت فرهنگی مهدی (ع) روابط اجتماعی سامانی دیگر می یابد. یکرنگی و یگانگی میان مردمان جاری می شود و دوستی و رحمت قلبها را پر می سازد و مساوات و مواسات اجتماعی جلوه می کند. کسی به کسی ستم روا نمی دارد و یاری و دستگیری یکدیگر، واجبی همگانی می شود چنانکه در خبر «اسحاق بن عمار» از امام صادق (ع) آمده است:

إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا  
إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يُقَوِّمُوهُمْ.<sup>۷۰</sup>

این به هنگام ظهور قائم ما است که در آن روزگار واجب همگانی است که به یکدیگر وسائل زندگانی برسانند و نیرو بخشند.

در آن دوران حرص و بخل در روابط اجتماعی جایی نخواهد داشت و یکرنگی و یگانگی چنان بر رفتار اجتماعی حاکم شود که هرکس هرچه نیاز دارد از جیب برادرش بردارد، نه این شرمنده باشد و نه آن ناراحت. چنین رابطه و پیوندی میان برادران ایمانی، از ویژگیهای سیرت اجتماعی آن دوران است. «برید عجلی» گوید به امام باقر (ع) گفته شد که در این

زمان شیعیان و پیروان شما در کوفه جمعیتی کثیر محسوب می‌شوند و چنانچه ایشان را فرمان دهی [تا قیام کنند و به مبارزه برخیزند] اطاعت کنند و پیروی نمایند. امام (ع) فرمود: «آیا روابط اجتماعی آنان بدین گونه است که کسی از ایشان [در وقت نیاز] سر جیب برادرش رود و نیاز خود برگیرد؟» گفتند: خیر، چنین نیست. امام (ع) فرمود: «پس آنان به خون خود بخیلتر خواهند بود.» آن گاه امام (ع) درباره روابط اجتماعی در عصر امام زمان (ع) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ  
حَاجَتَهُ لِأَيِّمْتَعَهُ. ٧١

زمانی که قائم ما قیام کند، کسی [که نیاز دارد] به سرجیب برادرش می‌رود و نیاز خود را برمی‌گیرد و او نیز مانعش نمی‌شود.

البته رسیدن به این مرز از روابط اجتماعی، خود محصول رشد عقلی و تکامل روح آدمی است. اگر اهل ایمان به رشد و کمال برسند جز این نخواهند بود. امام باقر (ع) به «سعید بن حسن» فرمود:

أَيُّجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ يَدُهُ فِي كَيْبِهِ  
فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ؟ قُلْتُ: مَا أَعْرَفُ ذَلِكَ



فِينَا. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): فَلَأَشِيءَ إِذَا. قُلْتُ: فَالْهَلَاكُ إِذَا؟ فَقَالَ: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدُ.<sup>۷۲</sup>

آیا این گونه است که کسی از شما نزد برادر دینی خود برود و دست در جیب او ببرد و هر چه لازم دارد بردارد و او مانع نشود؟ راوی گوید گفتم: چنین چیزی را میان خودمان نمی بینیم. امام فرمود: چیزی از حقیقت تشیع تحقق نیافته است. راوی گوید: آیا با این وضع سرنوشت مآهلاکت است؟ فرمود: مردم هنوز به رشد عقلی نرسیده اند.

یعنی عقلشان کامل نشده است و هنوز به آن مرتبه از کمال نرسیده اند که چنین تکلیفی را حمل کنند؛<sup>۷۳</sup> ولی در دولت مهدی (ع) این مرتبه از کمال انسانی و اجتماعی تحقق می یابد. اخلاق اجتماعی در آن زمان بر مبنای سلامت نفسها و پاکی دلها ظهور می یابد.<sup>۷۴</sup> امانتها به درستی ادا می شود.<sup>۷۵</sup> امنیت اجتماعی در حدّ نهایی فراهم می شود.<sup>۷۶</sup> مردم به عبادت‌های اجتماعی — از سر ایمان و تقوا — روی می آورند.<sup>۷۷</sup> حقوق اجتماعی در همه امور رعایت می شود و هیچ گونه ستم اجتماعی بر کسی روا نمی شود.<sup>۷۸</sup> حدیث امام صادق (ع) گویای این حقیقت در سیرت اجتماعی

مهدی (ع) است:

أَوَّلُ مَا يَظْهَرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُتَادِيَ مُتَادِيَهُ أَنْ  
يُسَلِّمَ صَاحِبَ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ  
الْأَسْوَدَ وَالطَّوَّافَ.<sup>۷۹</sup>

نخستین ظهور عدالت قائم آن است که سخنگویان او در مکه فریاد می‌کنند که هرکس نماز واجب خود را در کنار حجرالاسود و محل طواف خوانده است و می‌خواهد نافلة بخواند، به کناری رود تا حق دیگران پایمال نشود. و آنان که می‌خواهند نماز واجب بخوانند، بیایند و بخوانند.

### سیرت مدیریتی

بدین ترتیب با ظهور دولت مبارک مهدی (ع)، سیرت مدیریتی او براساس عدالت محض جلوه می‌کند. آن حضرت در اداره امور از نظر اقتصادی گشاده‌دست است و اموال را برای آسایش و رفاه مردمان با سخاوت به کار می‌گیرد و نسبت به محرومیت کشیدگان و مسکینان، مهربان و دل‌رحم است و برای آنکه ذره‌ای ستم از جانب دولت و کارگزاران نظام او بر کسی نرود و حقی ضایع نشود، نسبت به مسئولان و کارگزاران خود سختگیر است. دولت او دولت عدالت محض

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۵۱

است، پس جای هیچ گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد و سختگیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است.<sup>۸۰</sup> در خبری در این باره آمده است:

المَهْدِي جَوَادٌ بِالْمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ شَدِيدٌ عَلَى  
الْعَمَالِ.<sup>۸۱</sup>

مهدی نسبت به مال و دارایی بخشنده است و نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سختگیر است و نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار دلرحم و مهربان است.

مهدی (ع) براساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می‌کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می‌دهد و همه افکار و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد و نشان می‌دهد که حکومت عدل یعنی چه. او برای حفظ این اساس، مسئولان و کارگزاران ستمگر را با دقت مؤاخذه می‌نماید و هر که را پا از سیرت عدالت بیرون نهاده است، به سختی مجازات می‌نماید، امیرمؤمنان (ع) درباره دولت و سیرت مهدی (ع) چنین خبر داده است:

يَغْطِطُ الْهَوَى عَلَى الْهَدَى، إِذَا عَظَّمُوا الْهَدَى عَلَى  
الْهَوَى، وَيَغْطِطُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَّمُوا الْقُرْآنَ

عَلَى الرَّأْيِ... أَلَا وَفِي عَدِّ - وَسَيَاتِي عَدُّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ  
 - يَا خُدَّ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّا لَهَا عَلَى مَسَاوِيءِ  
 أَعْمَالِهَا، وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفَالَيْدَ كَبِيدِهَا، وَتُلْقِي  
 إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدِهَا، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِ،  
 وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسَّنَةِ. ۸۲

[چون مهدی ظهور کند] خواهشهای نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع هوا ساخته اند؛ و رأی آنان را پیرو قرآن کند، و آن هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده اند... آگاه باشید که فردا - و فردا پس از این با چیزهایی که نمی شناسید می آید - کسی بر شما حکومت خواهد کرد که غیر از خاندان حکومتهاست؛ او مسئولان و کارگزاران را به جرم کردار زشتشان کیفر خواهد کرد. زمین گنجینه های خود را برای او خارج خواهد ساخت و کلیدهایش را تسلیم وی خواهد نمود. آن گاه است که مهدی به شما نشان خواهد داد که سیرت عدل کدام است؟ او کتاب و سنت را که پیش از او مرده اند، زنده خواهد ساخت.

مهدی (ع) در اداره امور برای حفظ عدالت و حقوق مردمان و حیثیت دین، به روشی نو و مناسب با عصر

خود و تحولاتی که در طول تاریخ رخ داده است تا مردمان به آن نقطه رسیده‌اند، عمل می‌کند.

«در قضاوتها و احکام مهدی، و در حکومت وی،

سرسوزنی ظلم و بیداد برکسی نرود، و رنجی بر دلی

ننشیند. مهدی (ع) بر طبق احکام خالص دینی (بدون

توجه به آرا و انکار دیگران و فقها و علمای مذاهب)،

حکم و حکومت می‌کند. مهدی، میزان عدل را، در

میان مردم نهد، و بدین گونه هیچ کس نتواند به دیگری

ستمی کند. مهدی، قضاوتی جدید آورد... مهدی، به

حکم داوود و آل داوود حکم کند، و از مردم بی‌نه و

شاهد نطلبد. شیخ مفید، می‌گوید: چون قائم

آل محمد (ص) قیام کند، مانند حضرت داوود (ع)،

یعنی بر حسب باطن، قضاوت کند، و بی هیچ نیازی به

شاهد حکم دهد. مهدی نقشه‌های پنهانی هر گروه را

بداند و به آنان، آن نقشه‌ها را بگوید. مهدی، دوست و

دشمن خود را، با نگاه بشناسد.»<sup>۸۳</sup>

در روش زمامداری مهدی (ع) میان او و مردمش

هیچ فاصله و حجابی نیست، به گونه‌ای که آن حضرت

با آنان سخن می‌گوید و ایشان نیز صدای او را همان

جا که هست می‌شنوند و به او نگاه می‌کنند.<sup>۸۴</sup>

### سیرت فردی

زمانمداری که با قدرت تمام به عدالت بر شرق و غرب جهان حکم می‌راند و برکات زمین و آسمان بر دولت او گشوده می‌شود و زمین گنجینه‌های خود را برای او خارج ساخته کلیدهایش را تسلیم وی می‌کند، در نهایت زهد و ساده زیستی زندگی می‌کند و از سیرت ساده‌زیستی که پدرانش بدان پایبند بودند، خارج نمی‌شود. در خبر «ابوبصیر» از امام صادق (ع) این گونه آمده است:

فَوَاللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ.<sup>۸۵</sup>

به خدا سوگند که لباس مهدی جز پوشاکی درشت و خوراک او جز خوراکی سخت و بی‌خورش چیزی دیگر نخواهد بود.

همین خبر از طرق دیگر نیز با مختصر اختلاف روایت شده است.<sup>۸۶</sup> و گویای آن است که علی‌رغم رفاه همگانی و بی‌نیازی همه مردمان، مهدی (ع) به سیرت ساده‌زیستی عمل می‌کند و از اصل زهد دور نمی‌شود.<sup>۸۷</sup> امیرمؤمنان (ع) درباره جایگاه زهد در دین و دینداری فرموده است:

الزُّهْدُ أَضَلُّ الدِّينِ. <sup>۸۸</sup>

زهد اصل دین است.

الزُّهْدُ أَسَاسُ الْيَقِينِ. <sup>۸۹</sup>

زهد اساس یقین است.

با وجود دل بستگی به دنیا، اصلاحی صورت نمی‌گیرد و همهٔ مصلحان الهی، زاهد بوده، از دل بستگی به دنیا آزاد بوده‌اند چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود:

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَاهِدًا. <sup>۹۰</sup>

خداوند هیچ پیامبری را برنگزید مگر آنکه زاهد بود.

آن امام حق در رفتار خود از هرگونه تکلفی بری است که از رسول خدا (ص) روایت شده است:

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَمْنَاءِ وَالْأَتْقِيَاءِ بُرَاءٌ مِنَ التَّكْلِيفِ. <sup>۹۱</sup>

ما گروه پیامبران و امنای پروردگار و پرهیزگاران از تکلف به دور هستیم.

سلام بر دولت او و سیرت او.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ لِدِينِكَ.

خدایا، یاریش کن و به دست او دینت را پیروز گردان.

وَأَنْصُرِيهِ أَوْلِيَاءَهُ وَشِيَعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ  
 خدایا، دوستان خود را و دوستان او و پیروان و یارانش  
 را به وسیله او یاری نما و ما را نیز از آنان قرار ده.

وَأُظْهِرِيهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدُهُ بِالنُّصْرِ، وَأَنْصُرْنَا صِرِيهِ،  
 وَأَخْذُنْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ قَاصِمِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ  
 الْكُفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ  
 الْمُلْحِدِينَ؛ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،  
 بَرَّهَا وَبَخْرَهَا.

خدایا، به دست او عدالت را آشکار ساز، و بنا نصرت  
 خود تأییدش نما، و یاورانش را یاری کن، و آنان را  
 که وانهندش یاری مکن، و کوبندگان را درهم  
 کوب، و زورمداران کفر را به دست او درهم شکن، و  
 کافران و منافقان و همه بی دینان را، به وسیله او نابود  
 ساز؛ در هر کجا که باشند: در مشرق و مغرب زمین، در  
 خشکی یا دریا.

وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأُظْهِرِيهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

خدایا، به دست او زمین را از عدل پر کن و دین  
 پیامبرت (ص) را آشکار فرما.



دولت مہدی (ع)، سیرت مہدی (ع) • ۵۷

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ  
وَشِيعَتِهِ.<sup>۱۲</sup>

خدایا، مرا از یاوران و پشتیبانان و پیروان و شیعیانش  
قرار ده.

## پی نوشتها

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمة الهی قمشهای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ ش. زیارت حضرت صاحب الامر، صص ۹۶۹-۹۷۰.
۲. ر. ک: محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش. صص ۱۳۶-۱۳۷.
۳. دعای افتتاح، مفاتیح الجنان، ص ۳۲۶.
۴. أبوجعفر محمد بن یعقوب الكلینی، الكافی، صححه وعلق علیه علی أكبر الغفاری، دارالکتب الاسلامیة، طهران، ۱۳۸۸ ق. ج ۸، ص ۲۷۸.
۵. أبوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، الغیبة، الطبعة الثانية، مكتبة بصیرتی، قم، ۱۴۰۸ ق. ص ۱۱۲؛ و نیز ر. ک: أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (الشیخ الصدوق)، کمال الدین وتمام النعمة، مكتبة الصدوق، طهران، ۱۳۹۵ ق. ج ۱، ص ۳۱۸.
۶. أمين الاسلام أبوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مكتبة المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ ق. ج ۴، صص ۶۷، ۱۵۲.
۷. در علم بديع اصطلاحی وجود دارد به نام «حسن الابتداء» یا «براعة المطلاع» یا «براعة الاستهلال» که از زیورهای کلام و شعر

است. اگر خطیب و شاعر سخن خود را با عباراتی آغاز کند که رقیق و سهل و روشن و واضح از نظر معنی باشد و به گونه ای بیاورد که مستقل از آنچه بعد می آید بوده، مناسب مقام باشد و نیز جاذب و موثر بوده و معرف آنچه در ادامه سخن می آید باشد، این کلام دارای «براعة المطلاع» است. ر. ک: تقی الدین أبوبکر بن علی المعروف به ابن حجة الحموی، خزانه الادب و غاية الارب، شرح عصام شعیتو، دار و مكتبة الهلال، بیروت، ۱۹۸۷ م. ج ۱، ص ۱۹؛ محمد بن عبدالرحمن الخطیب القزوینی، الايضاح فی علوم البلاغة، شرح و تعليق و تنقيح محمد عبد المنعم خفاجی، دارالكتاب اللبنانی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ج ۲، صص ۵۹۴-۵۹۵؛ احمد الهاشمی، جواهر البلاغة، دارالکتب العلمية، بیروت، صص ۳۴۱-۳۴۲.

۷. اللزومیات، الطبعة الثانية، دارالکتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۶ ق. ج ۲، ص ۳۵۲.

۸. أبوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی المعروف بالعیاشی، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم الرسولی المحلاتی، المكتبة العلمية الاسلامية، طهران، ج ۱، ص ۶۵؛ هاشم بن سلیمان الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ج ۱، ص ۱۶۴.

۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ محمد باقر المجلسی، بحار الانوار الجامعة لعلوم الاثمة الأطهار، الطبعة الثالثة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق. ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۱۰. ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳ (بیان علامه مجلسی ذیل حدیث یاد شده).

۱۱. کمال الدین، ج ۲، صص ۶۷۲-۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲،

ص ٣٢٦.

١٢. قرآن، قصص / ٥.

١٣. أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق)، الخصال، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق، طهران، ١٣٨٩ ق. ج ٢، ص ٥٤١؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٧.

١٤. أبو الحسن محمد الشريف الرضي، نهج البلاغة، ضبط نضه وابتكر فهرسه العلمية صبحي الصالح، الطبعة الاولى، دار الكتاب اللبناني، بيروت، ١٣٨٧ ق. خطبة ١.

١٥. كمال الدين، ج ٢، ص ٤١١.

١٦. محمد بن ابراهيم النعماني، الغيبة، مكتبة الصدوق، طهران، ص ٢٣١؛ بحار الانوار، ج ٥٢، صص ٣٥٢-٣٥٣.

١٧. محمد بن النعمان البغدادي الملقب بالمفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، صححه واخرجه السيد كاظم الموسوي الميامي، دار الكتب الاسلامية، طهران، ١٣٧٧ ق. ص ٣٤٣؛ أبو الحسن علي بن عيسى الاربلي، كشف الغمّة في معرفة الائمّة، مكتبة بني هاشم، تبريز، ١٣٨١ ق. ج ٢، ص ٤٦٥؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٨.

١٨. أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، تهذيب الاحكام، دار الكتب الاسلامية، طهران، ١٣٩٠ ق. ج ٦، ص ١٥٤؛ محمد بن الحسن الحر العاملي، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، بتصحيح و تحقيق و تدليل عبدالرحيم الرباني الشيرازي، دار احياء التراث العربي، بيروت، ج ١١، ص ٥٧.

١٩. غيبة النعماني، ص ٢٣١؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٣.

٢٠. خورشيد مغرب، صص ٤٤-٤٦.

٦٢ • دولت مهدي (ع)، سيرت مهدي (ع)

٢١. غيبة الطوسي، ص ٣٢.
٢٢. غيبة النعماني، ص ٢٣٣؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٤.
٢٣. قرآن، آل عمران/ ٨٣.
٢٤. الارشاد، صص ٣٤٣-٣٤٤؛ كشف الغمّة، ج ٢، ص ٤٦٥؛  
بحارالانوار، ج ٥٢، صص ٣٣٨-٣٣٩.
٢٥. لطف الله الصافي الكلبايگاني، منتخب الاثر في الامام الثاني عشر،  
الطبعة الثالثة، مكتبة الصدر، طهران، ص ٤٧٤.
٢٦. كمال الدين، ج ١، ص ٣١٧؛ عبدعلي بن جمعة العروسي  
الحويزي، تفسير نورالثقلين، صححه وعلق عليه واشرف على طبعه هاشم  
الرسولي المحلاتي، دارالكتب العلمية، قم، ج ٥، صص ٢٤٢-٢٤٣.
٢٧. قرآن، حديد/ ١٧.
٢٨. كمال الدين، ج ٢، ص ٦٦٨؛ تفسير نورالثقلين، ج ٥، ص ٢٤٢.
٢٩. الكافي، ج ٨، ص ٢٦٧؛ بحارالانوار، ج ٧٥، ص ٣٥٣؛ تفسير  
نورالثقلين، ج ٥، ص ٢٤٣.
٣٠. قرآن، روم/ ١٩.
٣١. الكافي، ج ٧، ص ١٧٤؛ تفسير نورالثقلين، ج ٤، ص ١٧٣.
٣٢. عبدالواحد التميمي الآمدي، غررالحكم ودررالكلم، مؤسسة  
الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٧ق. ج ١، ص ٢٥؛ حسين النوري  
الطبرسي، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، تحقيق مؤسسة آل البيت  
عليهم السلام لاحياء التراث، الطبعة الثانية، بيروت، ١٤٠٨ق. ج ١١،  
ص ٣١٨.
٣٣. غررالحكم، ج ١، ص ٣٣٥؛ مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٢٠.
٣٤. محمد بن محمد الشعيري، جامع الاخبار، تحقيق حسن المصطفوي،  
مركز نشر الكتاب، طهران، ١٣٨٢ق. ص ١٨٠؛ بحارالانوار، ج ٧٥،

دولت مهدی (ع)، سیرت مهدی (ع) • ۶۳

- ص ۳۵۲، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۷.
۳۵. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش. ج ۲، ص ۳۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۹.
۳۶. الکافی، ج ۷، ص ۱۷۵.
۳۷. شمس الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان اشعار، به اهتمام انجمن شیرازی، انتشارات محمدعلی علمی، ۱۳۴۶ ش. ص ۱۱۱.
۳۸. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۸.
۳۹. جلال الدین محمد بلخی (مولوی)، مثنوی معنوی، به اهتمام و تصحیح رینولد نیکلسون، لیدن، ۱۹۲۵ م. افست مؤسسه مطبوعاتی علمی، دفتر اول، ج ۱، صص ۱۲۴-۱۲۵.
۴۰. منتخب الاثر، ص ۳۰۸ (ازینابیع المودة)؛ با مختصر اختلاف؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ (از تفسیر العیاشی).
۴۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۴۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۴۷۴.
۴۲. أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ ق. ص ۲۳۶.
۴۳. قرآن، قریش / ۴.
۴۴. بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۷؛ محمد الخلیلی، من امالی الامام الصادق و هو شرح ما أملاه الامام (ع) علی تلمیذه المفضل بن عمر الجعفی، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ ق. ج ۱، ص ۳۰۵.
۴۵. الکافی، ج ۵، ص ۷۳، ج ۶، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۷.
۴۶. قطب الدین أبو الحسن سعید بن هبة الله الراوندی، الخراج

٦٤ • دولت مهدي (ع)، سيرت مهدي (ع)

والجرايح، تحقيق و نشر مؤسسة الامام المهدي (ع)، قم، الطبعة الثانية، مؤسسة النور للمطبوعات، بيروت، ١٤١١ ق. ج ٢، صص ٨٤٩-٨٥٠.  
٤٧. قرآن، اعراف/ ٩٦.

٤٨. الكافي، ج ١، ص ٥٤٢، ج ٢، ص ٥٦٨.

٤٩. أبوالعباس عبدالله بن جعفر الحميري القمي، قرب الاسناد، مكتبة نينوى الحديثة، طهران، ص ٤١؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٠٩.

٥٠. غيبة النعماني، صص ٢٣٧-٢٣٨؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٥١.

٥١. أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، داراحياء التراث العربي، بيروت، ١٣٩٥ ق. ج ٢، ص ١٣٦٦؛ أبو عبدالله محمد بن عبدالله الحاكم النيسابوري، مستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفة، بيروت ج ٤، ص ٥٥٨؛ أبو عبدالله محمد بن يوسف الكنجي الشافعي، البيان في أخبار صاحب الزمان (ع)، قدم له وعلق عليه محمد مهدي الخرساني، مؤسسة الهادي للمطبوعات، قم، ١٣٩٩ ق. ص ١٠٩؛ نورالدين علي بن أبي بكر الهيثمي، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دارالكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٢ ق. ج ٧، ص ٣١٧؛ كشف الفمّة، ج ٢، صص ٤٧٨-٤٧٩؛ بحارالانوار، ج ٥١، ص ٨٨.

٥٢. أبو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل الشيباني، مسند، داراحياء التراث العربي، بيروت، ج ٣، ص ٣٧؛ البيان، ص ١٢٣؛ كشف الفمّة، ج ٢، ص ٤٧١؛ مجمع الزوائد، ج ٧، ص ٣١٣؛ بحارالانوار، ج ٥١، صص ٨١، ٩٢؛ منتخب الاثر، ص ١٤٧.

٥٣. كشف الفمّة، ج ٢، ص ٤٧٤؛ بحارالانوار، ج ٥١، ص ٨٤.

٥٤. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٩٠.

٥٥. مسند احمد حنبل، ج ٣، ص ٣٧؛ البيان، ص ١٢٣؛ كشف الفمّة،

دولت مهدي (ع)، سيرت مهدي (ع) • ٦٥

ج ٢، ص ٤٧١؛ رضي الدين أبو القاسم علي بن موسى بن طاووس، الملاحم والفتن في ظهور الغائب المنتظر (عج)، الطبعة السادسة، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق. ص ٧١؛ مجمع الزوائد، ج ٧، ص ٣١٣؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٩١، منتخب الاثر، ص ١٤٧.

٥٦. أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري، صحيح مسلم، شرح النووي، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٧ ق. ج ١٨، ص ٣٩.

٥٧. مسند احمد حنبل، ج ٣، ص ٣٧؛ البيان، ص ١٢٣؛ كشف الغمة، ج ٢، ص ٤٧١؛ مجمع الزوائد، ج ٧، ص ٣١٣؛ بحار الانوار، ج ٥١، ص ٩١؛ منتخب الاثر، ص ١٤٧.

٥٨. الملاحم والفتن، ص ٧١.

٥٩. أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (الشيخ الصدوق)، من لا يحضره الفقيه، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، منشورات جماعة المدرسين، قم، ج ٣، ص ٣١٣؛ أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، تهذيب الأحكام، دار الكتب الاسلامية، طهران، ١٣٩٠ ق. ج ٧، ص ١٧٨؛ وسائل الشيعة، ج ١٢، ص ٢٩٤.

٦٠. كمال الدين، ج ١، ص ٣٣١؛ منتخب الاثر، ص ٤٨٢ (با مختصر اختلاف).

٦١. مستدرک الحاكم؛ ج ٤، ص ٤٦٥؛ منتخب الاثر، ص ١٤٦؛ البيان، ص ١٠٨-١٠٩ (با مختصر اختلاف).

٦٢. البيان، ص ١١٨.

٦٣. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦ (از الخرايج والجرايج).

٦٤. كمال الدين، ج ٢، ص ٦٧٥؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٢٨.

٦٥. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا



٨١. منتخب الاثر، ص ٣١١.
٨٢. نهج البلاغه، خطبة ١٣٨.
٨٣. خورشيد مغرب، صص ٤١-٤٢.
٨٤. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦ (از الخرايج والجرايج).
٨٥. غيبة النعماني، ص ٢٣٣؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٤؛  
منتخب الاثر، ص ٣٠٧؛ بحارالانوار، ج ٥٢، صص ٣٥٥، ٣٥٩.
٨٦. ر. ك: غيبة النعماني، ص ٢٣٤؛ غيبة الطوسي، ص ٢٧٧؛ منتخب  
الاثر، ص ٣٠٧؛ بحارالانوار، ج ٥٢، صص ٣٥٥، ٣٥٩.
٨٧. درباره «اصل زهد» و «اصل ساده زيستي» ر. ك: همين مؤلف،  
سيرة نبوي (منطق عملي)، دفتر اول، سيرة فردي، چاپ اول، سازمان  
چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٣٧٢ ش، صص  
١٥٥-٢٥١.
٨٨. غررالحكم، ج ١، ص ٢٩.
٨٩. همان، ص ٣٠.
٩٠. مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١.
٩١. مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات،  
بيروت، ١٤٠٠ ق. صص ١٤٠-١٤١؛ بحارالانوار، ج ٧٣، ص ٣٩٤.
٩٢. زيارت آل يس، مفاتيح الجنان، صص ٩٦٠-٩٦١.

٦٦ • دولت مهدي (ع)، سيرت مهدي (ع)

- عُقُولُهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ.» امام باقر (ع)، الكافي، ج ١، ص ٢٥.
٦٦. بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٢ (از غيبة النعماني).
٦٧. همان، ص. ٣٣٦ (از الخراج والجرايح).
٦٨. همان.
٦٩. همان، ص ٣٣٥ (از الخراج والجرايح).
٧٠. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٤١٥.
٧١. محمد بن النعمان البغدادي الملقب بالمفيد، الاختصاص، صححه وعلق عليه على اكير الغفاري، منشورات جماعة المدرسين، قم، ص ٢٤.
٧٢. الكافي، ج ٢، ص ١٧٤؛ بحار الانوار، ج ٧٤، صص ٢٥٤-٢٥٥.
٧٣. ر. ك: محمد باقر المجلسي، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، اخراج و مقابلة و تصحيح السيد هاشم الرسولي، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ ش. ج ٩، ص ٤٦.
٧٤. ر. ك: الخصال، ج ٢، ص ٦٢٦؛ بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٣١٦؛ منتخب الاثر، ص ٤٧٤.
٧٥. ر. ك: منتخب الاثر، ص ٤٧٤.
٧٦. ر. ك: الارشاد، ص ٣٤٣، الخصال، ج ٢، ص ٦٢٦؛ كشف الغمّة، ج ٢، ص ٤٦٥؛ بحار الانوار، ج ٥٢، صص ٣١٦، ٣٣٨؛ منتخب الاثر، ص ٤٧٤.
٧٧. ر. ك: منتخب الاثر، ص ٤٧٤.
٧٨. ر. ك: همان، ص ٤٧٠.
٧٩. الكافي، ج ٤، ص ٤٢٧.
٨٠. ر. ك: محمد الصدر، تاريخ ما بعد الظهور، الطبعة الثانية، دارالتعارف، بيروت، ١٤٠٨ ق. ص ٥٢٢.

٨١. منتخب الأثر، ص ٣١١.
٨٢. نهج البلاغه، خطبة ١٣٨.
٨٣. خورشيد مغرب، صص ٤١-٤٢.
٨٤. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٦ (از الخرايج والجرايج).
٨٥. غيبة النعماني، ص ٢٣٣؛ بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٥٤؛ منتخب الأثر، ص ٣٠٧؛ بحارالانوار، ج ٥٢، صص ٣٥٥، ٣٥٩.
٨٦. ر. ك: غيبة النعماني، ص ٢٣٤؛ غيبة الطوسي، ص ٢٧٧؛ منتخب الأثر، ص ٣٠٧؛ بحارالانوار، ج ٥٢، صص ٣٥٥، ٣٥٩.
٨٧. درباره «اصل زهد» و «اصل ساده زيستی» ر. ك: همين مؤلف، سيرة نبوي (منطق عملي)، دفتر اول، سيرة فردي، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٣٧٢ ش، صص ١٥٥-٢٥١.
٨٨. غررالحكم، ج ١، ص ٢٩.
٨٩. همان، ص ٣٠.
٩٠. مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٥١.
٩١. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٠ ق. صص ١٤٠-١٤١؛ بحارالانوار، ج ٧٣، ص ٣٩٤.
٩٢. زیارت آل یس، مفاتیح الجنان، صص ٩٦٠-٩٦١.

## منابع وماخذ

الأمدي، عبدالواحد التميمي (ت ٥٥٠ ق)، غررالحكم ودررالكلم،  
مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٧ ق.

ابن حجة الحموي، تقى الدين أبوبكر بن علي (ت ٨٣٧ ق)، خزائن  
الادب وغاية الارب، شرح عصام شعيتو، دار ومكتبة الهلال، بيروت،  
١٩٨٧ م.

ابن حنبل، أبو عبدالله أحمد بن محمد الشيباني (ت ٢٤١ ق)، مسند،  
داراحياء التراث العربي، بيروت.

ابن شعبة الحراني، أبو محمد الحسن بن علي بن الحسين (از عالمان  
قرن چهارم)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مكتبة بصيرتي، قم،  
١٣٩٤ ق.

ابن طاووس، رضى الدين أبوالقاسم علي بن موسى (ت ٦٦٤ ق)،  
الملاحم والفتن في ظهور الغائب المنتظر (عج)، الطبعة السادسة، مؤسسة  
الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.

ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني (ت ٢٧٥ ق)، سنن ابن  
ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار احياء التراث العربي، بيروت،  
١٣٩٥ ق.

الاربلي، أبو الحسن علي بن عيسى (ت ٦٩٣ ق)، كشف الفقه في معرفة

- الأئمة، مكتبة بنى هاشم، تبريز، ۱۳۸۱ ق.
- البحراني، هاشم بن سليمان الحسيني (ت ۱۱۰۷ ق)، البرهان في تفسير القرآن، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم.
- جلال الدين محمد بلخي (مولوي) (ت ۶۷۲ ق)، مثنوي معنوي، به اهتمام وتصحيح رينولد نيكلسون، ليدن، ۱۹۲۵ م. افست مؤسسه مطبوعاتي علمي.
- حافظ شيرازي، شمس الدين محمد (ت ۷۹۲ ق)، ديوان اشعار، به اهتمام انجوي شيرازي، انتشارات محمدعلي علمي، ۱۳۴۶ ش.
- الحاكم، أبو عبدالله محمد بن عبدالله الحاكم النيسابوري (ت ۴۰۵ ق)، مستدرک علی الصحيحين، دارالمعرفة، بيروت.
- الحرايعاملي، محمد بن الحسن (ت ۱۱۰۴ ق)، وسائل الشيعة الى مسائل الشريعة، بتصحيح وتحقيق وتذييل عبدالرحيم الرباني الشيرازي، داراحياء التراث العربي، بيروت.
- حكيمي، محمدرضا، خورشيد مفرّب، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۰ ش.
- الحميري القمي، أبو العباس عبدالله بن جعفر (ت ۳۱۰ ق)، قرب الاسناد، مكتبة نينوي الحديثية، طهران.
- الحويزي، عبدعلي بن جمعة العروسي (ت ۱۱۱۲ ق)، تفسير نورالقلين، صححه وعلق عليه واشرف علي طبعه هاشم الرسولي المحلّاتي، دارالكتب العلمية، قم.
- الخطيب القزويني، محمد بن عبدالرحمن (ت ۷۲۹ ق)، الايضاح في علوم البلاغة، شرح وتعليق وتنقيح محمد عبدالمنعم خفاجي، دارالكتاب اللبناني، بيروت، ۱۴۰۵ ق.
- الخليلي، محمد، من امالي الامام الصادق وهو شرح ما أملاه الامام (ع)

٧٠ • دولت مهدي (ع)، سيرت مهدي (ع)

على تلميذه المفضل بن عمر الجعفي، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٤ق.

الخوانساري، جمال الدين محمد (ت ١١٢٥ ق)، شرح غررالحكم، با مقدمه وتصحيح وتعليق ميرجلال الدين حسيني ارموي، انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٦٠ش.

دلشاد تهراني، مصطفى، سيرة نبوي (منطق عملي)، دفتر اول، سيرة فردی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٣٧٢ش.

الراوندي، قطب الدين ابوالحسين سعيد بن هبة الله (م ٥٧٣ق)، الخرايج والجرايح، تحقيق و نشر مؤسسة الامام المهدي (ع)، قم، الطبعة الثانية، مؤسسة النور للمطبوعات، بيروت، ١٤١١ق.

الشريف الرضي، ابوالحسن محمد (ت ٤٠٦ق)، نهج البلاغة، ضبط نضبه وابتكر فهرسه العلمية صبحي الصالح، الطبعة الاولى، دارالكتاب اللبناني، بيروت، ١٣٨٧ق.

الشعيري، محمد بن محمد (از عالمان قرن هفتم)، جامع الاخبار، تحقيق حسن المصطفوي، مركز نشر الكتاب، طهران، ١٣٨٢ق.

الصافي الكلپايگاني، لطف الله، منتخب الاثر في الامام الثاني عشر، الطبعة الثالثة، مكتبة الصدر، طهران.

الصدر، محمد، تاريخ مابعد الظهور، الطبعة الثانية، دارالتعارف، بيروت، ١٤٠٨ق.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (ت ٣٨١ق)، الخصال، صححه وعلق عليه علي اكبر الفقاري، مكتبة الصدوق، طهران، ١٣٨٩ق.

\_\_\_\_\_، كمال الدين وتمام النعمة، مكتبة الصدوق، طهران،

١٣٩٥.

\_\_\_\_\_، من لا يحضره الفقيه، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، منشورات جماعة المدرسين، قم.  
الطبرسي، أمين الاسلام أبو علي الفضل بن الحسن (ت ٥٤٨ ق)، مجمع البيان في تفسير القرآن، مكتبة المرعشي النجفي، قم، ١٤٠٣ ق.  
الطوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن (ت ٤٦٠ ق)، تهذيب الاحكام، دارالكتب الاسلامية، طهران، ١٣٩٠ ق.

\_\_\_\_\_، الغيبة، الطبعة الثانية، مكتبة بصيرتي، قم، ١٤٠٨ ق.  
العياشي، أبو النضر محمد بن مسعود السلمى (ت ٣٢٠ ق)، تفسير العياشي، تحقيق هاشم الرسولي المحلاتي، المكتبة العلمية الاسلامية، طهران.

قرآن حكيم، ترجمه وتوضيح از سيد جلال الدين مجتبوي، چاپ اول، انتشارات حكمت، ١٣٧١ ش.

قمي، شيخ عباس (ت ١٣٥٩ ق)، مفاتيح الجنان، ترجمة الهى قمشاهي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٦٤ ش.

الكليني، أبو جعفر محمد بن يعقوب (ت ٣٢٨ ق)، الكافي، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، دارالكتب الاسلامية، طهران، ١٣٨٨ ق.  
الكنجى الشافعى، محمد بن يوسف (ت ٦٥٨ ق)، البيان في أخبار صاحب الزمان (ع)، قدم له وعلق عليه محمد مهدي الخراسان، مؤسسة الهادي للطبوعات، قم، ١٣٩٩ ق.

المجلسي، محمد باقر (ت ١١١٠ ق)، بحار الانوار الجامعة لعلوم الأئمة الأطهار، الطبعة الثالثة، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤٠٣ ق.

\_\_\_\_\_، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، اخراج ومقابلة و تصحيح السيد هاشم الرسولي، دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٣ ش.

مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري (ت ٢٦١ ق)، صحيح مسلم بشرح النووي، دارالكتب العربي، بيروت، ١٤٠٧ ق.

مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٠ ق.

المعري، أبو العلاء، اللزوميات، الطبعة الثانية، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٦ ق.

المفيد، محمد بن النعمان البغدادي (ت ٤١٣ ق)، الاختصاص، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين، قم.

\_\_\_\_\_، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، صححه واخرجه السيد كاظم الموسوي المياموي، دارالكتب الاسلامية، طهران، ١٣٧٧ ق.

النوري الطبرسي، حسين (ت ١٣٢٠ ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، الطبعة الثانية، بيروت، ١٤٠٨ ق.

الهاشمي، احمد، جواهر البلاغة، دارالكتب العلمية، بيروت.

الهيثمي، نورالدين علي بن أبي بكر (ت ٨٠٧ ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دارالكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٢ ق.